



یکپارچگی زیرساختی خاورمیانه، رهیافتی برای تامین ثبات در منطقه^۱

دکتر الناز میاندوآبچی

مقدمه

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با وجود ظرفیت‌هایی چون پیوستگی جغرافیایی و تاریخ مشترک، برخورداری از جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی ۳ تریلیون دلاری، نزدیکی به بازارهای اصلی اروپا و آسیا و نیز دسترسی به کریدورهای حمل‌ونقل، از وضعیت مطلوبی در همکاری‌های تجاری و اقتصادی منطقه‌ای برخوردار نیست. بطوریکه، تجارت بین کشورهای این منطقه، تنها ۸ درصد کل تجارت منطقه را شامل می‌شود. همکاری‌های مشترک برای بهبود زیرساخت‌ها از جمله مهمترین ابزارهایی است که می‌تواند راهگشای تقویت همکاری‌ها و یکپارچگی در منطقه و کاهش تنش‌های موجود در منطقه باشد. در این نوشتار، به بررسی گزینه‌های یکپارچگی زیرساختی منطقه پرداخته شده و نقش ایران در ایجاد این یکپارچگی مورد بررسی قرار گرفته است.

گزینه‌های ممکن برای همکاری منطقه‌ای در حوزه زیرساخت‌ها

۱- زیرساخت‌های حمل‌ونقل

در حال حاضر کریدورهای جاده‌ای و بنادر منطقه در کوتاه-مدت از ظرفیت کافی، برخوردار هستند. اما خطوط ریلی بجز در ترکیه و ایران (و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس در آینده)، ضعیف‌ترین زیرساخت‌های منطقه محسوب می‌شود. گزینه‌های همکاری منطقه‌ای برای بهبود این زیرساخت‌ها عبارتند از:

■ **مدرن‌سازی و توسعه امکانات فیزیکی گذرگاه‌های مرزی:** با توجه به ظرفیت‌های محدود اغلب مرزهای منطقه، پیشنهاد می‌شود همسایگان به صورت هماهنگ و در هر دو طرف گذرگاه‌ها نسبت به توسعه امکانات و پایانه‌های مرزی اقدام کنند.

■ **ارتقا کریدورهای جاده‌ای:** توسعه کریدورهای جاده‌ای

^۱ بخش عمده این مطلب، بجز قسمت مربوط به ایران، تلخیصی است از مقاله زیر:

Hedi Larbi, Regional Infrastructure Cooperation Connecting Countries to Stabilize the Middle East, Middle East Institute Policy Paper, 2016-4.

منطقه‌ای در نقاطی که به مرزهای اصلی منتهی می‌شوند، از دیگر اقدامات پیشنهادی است.

■ **توسعه حمل‌ونقل دریایی به عنوان جایگزین یا مکمل جاده‌ها:** آفریقای شمالی، خلیج فارس، عراق، ترکیه و سوریه از طریق دریا قابل دسترس هستند. خطوط حمل‌ونقل دریایی و کارایی بنادر منطقه به شدت نیاز به بهبود دارند.

۲- زیرساخت‌های انرژی

در بخش انرژی بویژه برق و گاز، پتانسیل‌های عظیمی برای همکاری‌های منطقه‌ای وجود دارد. پیش‌بینی می‌شود تقاضای انرژی در منطقه تا سال ۲۰۳۰، سالانه ۴/۵ درصد افزایش یابد. به منظور بهره‌گیری از پتانسیل‌های عرضه و مصرف انرژی در منطقه، موارد زیر قابل پیشنهاد است:

■ **تنظیم سیاست‌ها و مقررات در بخش‌های برق و گاز:** کشور ترکیه با هدف تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه، بخش‌های برق و گاز خود را بر اساس تجربیات اتحادیه اروپا و با بهره‌گیری از استانداردهای تسهیل تجارت مرزی انرژی بازسازی کرده است. مشابه این رویکرد می‌تواند در تعاملات دوجانبه سایر کشورها اتخاذ شود.

■ **اجرای پروژه‌های اولویت‌دار گازی در مرزها و شبکه‌های برقی منطقه‌ای:** این پروژه‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری فیزیکی هستند و کشورها می‌توانند با هماهنگی همسایگان خود و یا زیرشبکه‌های منطقه‌ای و با رعایت استانداردهای بین‌المللی آنها را به اجرا درآورند.

۳- زیرساخت‌های ارتباطات و مخابرات

کشورهای منطقه ضمن تقویت شبکه‌های زیرساختی و ارتقاء آنها به فناوری‌های بالاتر، باید به دنبال توسعه سریع شبکه‌های فیبرنوری و پهنای باند منطقه‌ای و نیز تکمیل ارتباطات بین‌کشوری باشند. همچنین بکارگیری زیرساخت‌های فیبرنوری در سایر حوزه‌ها نظیر برق و ریل، روشی کم هزینه برای ارتقای ارتباط اینترنتی بین کشورهاست.

۴- زیرساخت‌های نرم

الف) تسهیل تجاری و اصلاحات سیاستی

به جز ترکیه و برخی کشورهای حوزه خلیج فارس، عملکرد سایر کشورهای منطقه در تسهیل تجارت و حوزه لجستیک ضعیف است. اقدامات زیر در حوزه تسهیل تجاری قابل پیشنهاد است:

■ **استفاده از سیستم آسیکودای جهانی:** کشورهایی نظیر اردن، ترکیه، ساحل غربی و نوار غزه، لبنان و سوریه از این سیستم استفاده می‌کنند. بکارگیری این سیستم بویژه می‌تواند در تسهیل تجارت بین اردن با عراق و عربستان سعودی، و ایران با ترکیه و عراق مفید باشد.

■ **برقراری ترتیبات تجاری ترجیحی:** برقراری این ترتیبات به همراه کاهش بازرسی‌ها و کنترل‌ها برای تجارت ممتاز و منتخب، موجب تسهیل تجارت بین کشورها می‌گردد.

■ **تکیه بر اصول رژیم‌های حمل‌ونقل بین‌المللی:** این اقدام نیز جریان کالا بین کشورها را تسهیل خواهد نمود.

ب) فناوری اطلاعات و ارتباطات

برخی از مهمترین گزینه‌های ممکن همکاری برای یکپارچگی در این حوزه، به شرح زیر می‌باشند:

■ **اصلاح چارچوب‌های مقرراتی و سیاست‌گذاری ICT:** در بسیاری از کشورهای منطقه، قوانین خاصی برای تجارت کالاها و خدمات ICT وجود نداشته و فعالیت‌های آن تحت قوانین سنتی تجارت مدیریت می‌شود. لذا تقویت چارچوب‌ها و هم‌نوا سازی مقررات و سیاست‌های کشورهای منطقه در حوزه ICT ضروری است.

■ **نهادسازی برای همکاری در حوزه ICT:** تشکیل شورای مشورتی قانونگذاری منطقه‌ای با هدف ارائه مشاوره سیاستی، ظرفیت‌سازی در زمینه مقررات و حمایت از استارت‌آپ‌ها، و نیز تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای منطقه‌ای به عنوان هاب مجازی منطقه‌ای برای تبادل دانش، تخصص، نیروی انسانی، خدمات و همکاری متقابل کشورها در حوزه ICT پیشنهاد می‌گردد.

الف) خدمات و استانداردها

در زمینه استانداردها و خدمات، موارد زیر قابل پیشنهاد است:

■ **اصلاحات برای تقویت تجارت خدمات در منطقه:** برای این منظور، تسهیل فعالیت بنگاه‌های داخلی و خارجی در بخش خدمات، ترویج رقابت، هماهنگ‌سازی و تقویت شیوه‌ها و ترتیبات نظارتی و کاهش محدودیت‌های جابجایی نیروهای کار در منطقه، ضروری می‌باشد. همچنین کاهش تصدی‌گری دولت در بخش خدمات نیز از موانع همکاری‌های منطقه‌ای در این زمینه است که باید به آن توجه شود.²

■ **هماهنگ‌سازی استانداردهای حمل‌ونقل و**

لجستیکی: با تکیه بر تجربیات اتحادیه اروپا در زمینه اعمال استانداردهای کیفیت خدمات توسط ارائه‌دهندگان خدمات لجستیکی، نظیر آنچه ترکیه و اردن انجام داده‌اند، دیگر کشورها نیز می‌توانند از منافع این هماهنگ‌سازی بدون نیاز به سازوکارهای بوروکراتیک بهره‌برند.

نقش ایران در یکپارچگی منطقه

موقعیت استراتژیک جغرافیایی و ژئوپولتیک و نیز بسترهای زیرساختی کشور، پتانسیل‌های بی‌نظیری برای پیشبرد یکپارچگی زیرساختی منطقه، بواسطه امکان تبدیل ایران به هاب تجاری منطقه فراهم نموده است. از سوی دیگر، قابلیت‌ها و توانمندی‌های کشور در توسعه انواع خدمات و زیرساخت‌های مرتبط، می‌تواند به عنوان عاملی در تقویت پیوندهای منطقه ایفای نقش کند. این مسئله، بخصوص با توجه به نیاز کشورهای بحران‌زده‌ای چون عراق و سوریه برای بازسازی، اهمیتی بیش از پیش می‌یابد. در ادامه به برخی از مهمترین اقدامات در حال انجام یا پتانسیل‌های موجود در ایران برای تقویت یکپارچگی منطقه پرداخته می‌شود:

■ **تکمیل و تقویت کریدورهای ترانزیتی عبوری از**

ایران: در حال حاضر پروژه‌های اتصال ریلی آذربایجان به ایران از طریق آستارا-رشت و اتصال بندرانزلی به

² Shahrokh Fardoust, Economic Integration in the Middle East: Prospects for Development and Stability, Middle East Institute Policy Paper, 2016-4.



توسط مارگارت تاجر به کلی کنار گذاشته شده بود. در پی اقدام انگلیس برای خروج از اتحادیه اروپا و نااطمینانی در خصوص آینده اقتصاد انگلیس و افت احتمالی مصرف و سرمایه‌گذاری در این کشور، خانم می هدف اصلی طرح احیاء استراتژی صنعتی را اتحاد کشور و بهبود چشم انداز آتی مردم آن اعلام کرد. هدف از طرح احیاء صنعتی، پایان بخشیدن به افول صنایع انگلستان طی یک دهه گذشته از طریق رفع چالش‌های صنعتگران این کشور در برابر جهانی‌شدن، بدون ایجاد اختلال در مکانیزم بازار است. وزیر دارایی انگلیس نیز در این جلسه گفت در صورت رفع شکاف بهره‌وری میان سایر نقاط کشور با لندن و نواحی جنوب شرقی، تولید کشور به میزان ۹ درصد رشد خواهد کرد. می در ادامه تاکید کرد که استراتژی پیشنهادی می‌بایست در راستای تقویت بنیه اقتصاد انگلیس بوده و در عین حال از صنایع جدید نیز غافل نشود. هدف از این طرح تقویت تولیدکنندگان خودرو (از جمله جگوار و نیسان) و همچنین صنایع هوا- فضا در آستانه خروج از اتحادیه اروپا و راه‌اندازی بنگاه‌های فناوری جدید از قبیل شرکت طراحی ریز تراشه ARM است که چندی پیش به مبلغ ۳۲ میلیارد دلار به یک شرکت ژاپنی فروخته شد.

کارشناسان بر این باورند که همکاری نزدیک میان دولت و صنایع این کشور به ویژه صنایع خودرو و هوا- فضا موفقیت آمیز بوده اما این رویه می‌بایست در ابعادی گسترده‌تر ادامه یافته و در کانون تصمیم‌گیری دولت قرار گیرد. البته جزئیات سیاست‌های این طرح مشخص نیست اما دولت در نظر دارد با افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها از قبیل جاده و راه آهن، تامین مالی پروژه- های بهینه سازی انرژی و پرورش نیروی کار متخصص مورد نیاز صنایع، از صنعت کشور حمایت نماید. انگلیس با اجرای سیاست‌های نادرست خود در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی سعی در نجات صنایع ورشکسته خود داشت اما اکنون بر خلاف گذشته هدف دولت ایجاد فضا و محیط مناسب برای توسعه صنایع است.

نخست وزیر انگلیس اخیرا با تصمیم خود مبنی بر بازنگری پروژه ساخت نیروگاه هسته‌ای توسط فرانسه و چین، موجب بروز ابهاماتی در مورد رویکرد خود به سرمایه‌گذاری چینی‌ها در اقتصاد این کشور شد.

شبکه ریلی در راستای تکمیل شاخه‌های کریدور شمال- جنوب و نیز اتصال ریلی شرق کشور از طریق خواف به هرات افغانستان در راستای احیای جاده ابریشم و محور ترانزیتی شرق در حال اجرا هستند. علاوه بر موارد مذکور، می‌توان به اتصال جاده بزرگراهی مرز ترکیه به بندر امام و مرزهای شرقی و شمال شرق به بندر چابهار به عنوان دیگر پتانسیل‌های توسعه کریدورهای ترانزیتی جاده‌ای اشاره نمود.

■ **توسعه زیرساخت‌های عراق و تقویت یکپارچگی آن با منطقه:** عراق یکی از حلقه‌های اتصال ایران و دیگر کشورهای شرقی و شمالی منطقه به غرب آن است. تقویت ارتباطات زیرساختی با این کشور (نظیر اتصال ریلی از طریق مرز خسروی به بصره عراق)، می‌تواند دسترسی ریلی به سوریه و لبنان و دریای مدیترانه را (در قالب کریدور مشرق) تسهیل کند. بعلاوه این کشور در حوزه‌هایی نظیر تامین برق و گاز، بهداشت و سلامت، امکانات گردشگری و ... دچار کمبودهای متعددی است که مشارکت ایران در توسعه این زیرساخت‌ها و ارائه خدمات مرتبط، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت همکاری‌های منطقه‌ای گردد.

■ **توسعه زیرساخت‌های سوریه و تقویت یکپارچگی آن با منطقه:** اگر چه سوریه هم‌اکنون با بحران جنگ روبروست اما در صورت دستیابی به ثبات نسبی، این کشور نیازمندی‌ها و پتانسیل‌های مشابه عراق را در حوزه انواع زیرساخت‌های سخت و نرم دارا خواهد بود.

در مجموع ضروری است بار دیگر بر اهمیت نقش ایران در یکپارچه‌سازی بازارهای منطقه و ضرورت تمرکز بر پروژه‌های زیرساختی در مراحل اولیه پیشبرد این طرح اشاره کنیم. ادغام بازارهای منطقه‌ای طرحی است سازنده که می‌باید در مقابل طرح‌های مخرب و تفرقه‌افکنانه خارجی‌ان، از سوی ایران پیش برده شود.

احیاء سیاست‌های صنعتی در انگلیس

مجتبی محرمی

ترسا می (Theresa May)، نخست وزیر بریتانیا روز سه شنبه دوم آگوست از احیاء مجدد سیاست‌های صنعتی در این کشور در راستای بازسازی مجدد اقتصاد انگلیس خبر داد. خانم می در اولین جلسه کمیته اقتصاد و استراتژی صنعتی که با حضور ۱۱ تن از وزرای این کشور برگزار شد، چشم انداز خود نسبت به احیاء صنعت از سوی دولت را مطرح کرد. گفتنی است ایده سیاست‌های صنعتی انگلیس سه دهه قبل

در همکاری‌های دوجانبه با انگلیس است. با عنایت به تاریخچه پرتلاطم روابط دیپلماتیک ایران و انگلیس طی نیم قرن گذشته و سوء اقدامات اتخاذ شده توسط این کشور به ویژه در دوران تحریم و تلاش‌های موزبانه و تفرقه‌افکنانه اخیر در منطقه، هر رابطه تجاری با این کشور باید به گونه‌ای طراحی شود که قصور احتمالی طرف انگلیسی جز با نفی منافع و تحمل زیان برای این کشور امکانپذیر نباشد. برای نمونه می‌توان به ضرورت تاکید بر قرارداد J.V و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشاره کرد.

به عقیده کارشناسان، شتاب‌گیری روند اجرای برگزیت تحولات مثبت و منفی چشمگیری را در برنامه‌های اقتصادی و سیاست‌های صنعتی انگلیس ایجاد خواهد نمود که البته از ویژگی‌های این دوران گذار، آشکار شدن نوعی سردرگمی اولیه در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی انگلیس خواهد بود، اما بطور کلی ایران بایستی بتواند از فرصت انزوای ناشی از جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا ضمن رعایت شرایط و قیود فوق-الاشاره، بهره‌برداری لازم را بنماید و با اتخاذ سیاست رقابت بینداز و بهره‌برداری کن حداکثر استفاده اقتصادی را از طریق تعامل نزدیک با رقبای انگلیس از یکسو و اخذ امتیاز از این کشور از سوی دیگر در زمینه‌های صنعتی و تجاری بنماید. نوع و چارچوب این روابط بایستی به نحوی تنظیم و پیش‌بینی شود که هرگونه قصور و برهم‌زدن قاعده بازی از سوی طرف انگلیسی، بیش‌از ایران متضمن زیان برای شرکت‌های انگلیسی باشد. ترک بازار واحد اروپایی و از بین رفتن ترجیحات گمرکی می‌تواند بر صادرات انگلیس اثر گذاشته و از هم اکنون می‌توان با پیش‌بینی وقایع و تحولات آتی جدایی انگلیس از طریق برقراری برخی ارتباطات گزینه شده نسبت به استفاده از این فرصت برای بنگاه‌های کشور همت گمارد. با توجه به شوک وارده به شرکت‌های انگلیسی به واسطه کاهش رقابت‌پذیری کالاهای آنها در بازارهای اروپایی می‌توان نسبت به انعقاد قراردادهای J.V. با آنها به منظور توسعه بازارهای خاورمیانه و آسیای مرکزی و یا اخذ شرایط مناسب در قراردادهای لیسانس یا انتقال تکنولوژی اقدام نمود.

بسیاری، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی را مهمترین منبع تامین نقدینگی برای طرح‌های زیرساختی در انگلیس می‌دانند. می‌همچنین می‌بایست در مورد تصمیم شرکت Tata Steel مبنی بر فروش واحد تولید فولاد خود در انگلیس نیز تصمیم‌گیری نماید. این شرکت که پیشتر، بالا بودن هزینه تولید و پایین بودن قیمت جهانی فولاد را دلیل تصمیم خود معرفی کرده بود، هم اکنون به جای فروش واحد مزبور درصدد انجام طرح همکاری مشترک (joint venture) با شرکای اروپایی خود (از جمله انگلیس) است. یکی از تحلیلگران نیز گفت که در صورت حمایت می‌از صنایع فولادبر، راه اندازی و اجرای پروژه فولاد Port Talbot نیز مقرون به صرفه خواهد بود اما همه چیز به تصمیم و جهت‌گیری خانم می در قبال صنایع بستگی دارد. تغییر احتمالی در سیاست‌های اقتصادی انگلیس که طی ۶ سال گذشته به کنترل مخارج و تامین مالی سرمایه‌گذاری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی معطوف بود، می‌تواند به سود این کشور باشد.

بازصنعتی شدن، یافتن منابع داخلی و "برگرداندن صنایع کارخانه‌ای" اصطلاحاتی آشنا در ایالات متحده و اتحادیه اروپا هستند. برای مثال استراتژی سیاست صنعتی اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، هدف خود را معکوس نمودن روند کاهشی سهم صنایع در اروپا از سطح ۱۶ درصد GDP فعلی به بیش‌از ۲۰ درصد تا ۲۰۲۰ اعلام نمود و اوپاما رئیس‌جمهوری سابق آمریکا نیز بر اهمیت بازگرداندن صنایع کارخانه‌ای در چارچوب سیاست‌های نوین صنعتی تاکید داشته است.

آنچه برای اقتصاد انگلیس رخ داده از دو منظر برای اقتصاد ایران حائز اهمیت است: اول اینکه انگلیس همچون سایر کشورهای پیشرفته به اهمیت بازیابی صنعت در راستای تحول اقتصادی و تحمل تبعات مشکل‌آفرین خروج از اتحادیه اروپا پی برده است. این مساله، اهمیت برنامه‌ریزی صحیح برای اقتصاد ایران را در شرایط خطیر کنونی دوچندان می‌سازد. دوم، اهمیت اتخاذ استراتژی مناسب